

تربیت سیاسی

و

درس

تعلیم و تربیت

دینی

نمود این دشواری را می‌توانیم در میزان آگاهی، نوع موضع‌گیری‌ها، سخنان، حساسیت‌ها و برخوردهای گوناگون آنان پیرامون مسائل مختلف جهانی و منطقه‌ای مشاهده کنیم. گرچه همین امروز، ملت و جوانان هیچ کشوری با ملت و جوانان کشور ما از این حیث قابل مقایسه نیستند و بسیاری از جوانان ما فی‌المجموع نسبت به مسائل منطقه‌ای و جهانی ارزیابی خوب و موضع‌گیری مطلوبی دارند، اما حجم کار رسانه‌ای جبهه باطل از یک طرف و انتظار و توقع بالای ما از خودمان از طرف دیگر، ما را نسبت به وضع موجود خرسند نمی‌کند و داشتن برنامه‌های قوی و منسجم در آموزش و پرورش برای ارتقای بصیرت و روشن‌بینی جوانان و توانایی بیشتر در تحلیل رخدادهای جهانی و منطقه‌ای و درک عمیق‌تر طرح‌های پیچیده مبارزه با اسلام ضروری‌تر و فوری‌تر می‌نماید.

درس تعلیم و تربیت دینی، با توجه به ویژگی محتوایی و اهدافی که دارد، باید در نقطه مرکزی این تربیت قرار گیرد و معلم این درس، که مبلغ و رساننده پیام‌های رسول خدا و ائمه اطهار (صلوات‌الله علیهم) است، باید در اجرای این رسالت پیشگام باشد و با برقرار کردن ارتباط میان درس‌ها و موضوعات و مسائل روز، تحلیل درستی از حوادث جاری جهانی و منطقه‌ای را به دانش‌آموزان آموزش دهد و این‌چنین به وظیفه عظیم خویش عمل کند.

در ایفای این وظیفه بزرگ، ما معلمین نیازمند دو ویژگی هستیم: یکی ویژگی علمی و بینشی و دیگر ویژگی روشی و مهارتی.

اولاً لازم است رفتار قدرت‌ها و ابرقدرت‌های در جهان و منطقه و همچنین تحلیل خود از حوادث را، روز به روز و با پیگیری مستمر، عمیق‌تر کنیم، ثانیاً با استفاده از روش مسئله‌محور و سوق دادن دانش‌آموزان به اظهار نظر و دریافت بیشتر اطلاعات صحیح، توانایی تحلیل و قدرت نقد آنان را افزایش دهیم و استقلال و عزت نفس آنان را در برابر غرب و قدرت‌های حاکم بر جهان تقویت نماییم.

این سرمقاله در زمانی نوشته می‌شود که آمریکا با این بهانه که کشور سوریه از مواد شیمیایی علیه شهروندان خود استفاده کرده و چند ده نفر را کشته، تهدید به حمله نظامی کرده و اعلام نموده که «سوریه از خط قرمز انسانیت خارج شده است».

آمریکا همان کشوری است که در ویتنام شمالی که حدود شانزده میلیون نفر جمعیت داشت، بنابر گزارش صلیب سرخ جهانی ۷۰ میلیون لیتر ماده شیمیایی ریخت، که هر لیوان آن قدرت کشتن یک نفر را داشت، پانصد هزار نفر را کشت و سبب ناقص‌العضو شدن بیش از یک میلیون کودک شد.

آمریکا همان کشوری است که نماینده وی در ۲۹ آذر ۱۳۶۲، یک ماه بعد از زمانی که ایران با شواهد به سازمان ملل اعلام کرد که عراق از مواد شیمیایی استفاده کرده است، به این کشور سفر می‌کند و ضمن ملاقات با صدام، حمایت خود را از وی اعلام می‌دارد.

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که شرورترین و ظالم‌ترین حاکمان آن مدعیان اصلی «انسانیت» اند و این ادعا را با هزاران شکل تزویر و با قدرت تبلیغ به مردم جهان القای می‌کنند.

تشخیص حق و باطل در چنین جهانی و قرار گرفتن در جبهه حق و عمل نکردن به نفع باطل و نیز داشتن غیرت و حمیت نسبت به حق و حق‌طلبان و تنفر و بی‌زاری نسبت به باطل و باطل‌صفتان برای نسل جوانی که در معرض تبلیغ فراگیر باطل قرار گرفته، بسیار دشوار است.